

Marriage and related rules in pre-Islamic Central Asian steppe societies

Nuhat Moyan*

Hasan Hazrati**

Abstract

The purpose of this research is to describe the manner of marriage and its related rules in the steppe societies of Central Asia in the pre-Islamic era. Therefore, after defining the steppe geography of Central Asia, it focused on the communities of this region and determined the main characteristics of the family institution among them. In the next step, marriage, traditions, and related conditions were taken into consideration and in-group, out-group, and political marriages were investigated as the most important types of marriages. Also, two of the most important marriage traditions of the steppe societies of Central Asia were investigated by focusing on the Leviratus tradition and the Qalin tradition, and it was found that the way of life of the people of those areas played an important role in the advent of such traditions. The final stage of this article was dedicated to examining the issue of polygamy and divorce. According to this research, polygamy was not common in all of the target communities, and it mainly depended on the man's economic status. Although divorce was not very common, it had different qualities depending on the type of issues between men and women; However, the norms of the steppe societies had caused the rights of both parties to be respected during divorce.

Keywords: Steppe societies, Woman, Marriage, Leviratus, Qalin.

* Ph.D. Candidate of History, University of Tehran (Corresponding Author), nuhatmoyan@gmail.com

** Associate Professor, Department of History and Islamic Civilization, University of Tehran, hazrati@ut.ac.ir

Date received: 14/08/2023, Date of acceptance: 02/09/2023



ازدواج و قواعد آن در جوامع استپی آسیای مرکزی (پیش از اسلام)

نوهات مویان*

حسن حضرتی**

چکیده

پژوهش پیش رو به دنبال توصیف چگونگی ازدواج و قواعد آن در جوامع استپی آسیای مرکزی در دوران پیشاسلامی است. از این رو پس از مشخص کردن جغرافیای استپی آسیای مرکزی، بر جوامع این ناحیه تمرکز کرده و ویژگی‌های اصلی نهاد خانواده را نزد آنها برمی‌شمارد. در گام بعدی ازدواج، سنت‌ها و شرایط آن بررسی و ازدواج‌های درون‌گروهی، برون‌گروهی و سیاسی به عنوان مهمترین انواع ازدواج‌ها تبیین می‌شوند. نیز با تمرکز بر سنت لویرات و سنت قالین، دو مورد از مهم‌ترین سنت‌های ازدواج نزد جوامع استپی آسیای مرکزی بررسی و مشخص شد که شیوه زندگی مردمان آن نواحی نقش مهمی در پدید آمدن چنین سنت‌هایی داشته‌اند. بخش پایانی این جستار به بررسی مسئله تعدد زوجات و طلاق اختصاص یافته است. بر اساس یافته‌های این پژوهش، تعدد زوجات نزد تمامی جوامع مورد نظر به طور یکسان رواج نداشت و بیشتر تابع موقعیت اقتصادی مردان بود. طلاق نیز اگرچه چندان رایج نبود، اما بسته به نوع اختلافات زن و مرد کیفیت متفاوتی پیدا می‌کرد. هر چند هنجارهای جوامع استپی موجب شده بود هنگام طلاق، حقوق هر دو طرف رعایت گردد.

کلیدواژه‌ها: جوامع استپی، زن، ازدواج، لویرات، قالین.

* دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)، nuhatmoyan@gmail.com

** دانشیار گروه تاریخ و تمدن اسلامی، دانشگاه تهران، hazrati@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱



۱. مقدمه

واژه استپ/ استپژ در زبان روسی به معنای چمن و علف است و اصطلاح استپ/ استپی از همین واژه گرفته شده است (Deer, 1954: C.12, 11). از گذشته‌های دور تاکنون، سرزمین‌های استپی آسیای مرکزی و بویژه قسمت‌های شرقی آن محل زندگی ترکان و دیگر اقوام (از جمله چینی‌ها و مغولان) بوده است. این مجاورت باعث شد تا بسیاری از جوانب زندگی ساکنان این ناحیه زیر تأثیر یکدیگر قرار بگیرد. هرچند در مناطق استپی آسیای مرکزی غیر از ترک‌ها اقوام دیگری نیز می‌زیستند، اما با در نظر گرفتن شدت تأثیرات سبک زندگی ترکان بر شیوه زندگی مردمان این ناحیه، می‌توان فرهنگ استپی را مترادف با فرهنگ ترک‌ها دانست (Kafesoğlu, 2015: 205-206). سرزمین‌های استپی از نواحی جنگلی در جنوب روسیه آغاز و به سمت جنوب و غرب تا کوه‌های خینگان منچوری و کاریات‌ها کشیده می‌شود. مراتع حاصلخیز در مرز مناطق جنوبی سرزمین‌های استپی، در کناره‌های دریای خزر و در مناطق شمالی در کناره‌های دریاچه‌های آرال و بالکاش در رشته‌کوه‌های آلتای به چشم می‌خورند. این مراتع دوباره در دامنه‌های شرقی آلتای ظاهر شده و تا کوه‌های خینگان (Khingan) در بالای ۴۵ درجه عرض شمالی ادامه می‌یابند. در اطراف رودخانه‌ها، مراتع مناسبی برای پرورش دام وجود دارد و اسب و شتر از چارپایان معمول این منطقه به حساب می‌آیند (Rasonyi, 1993: 1-2). جوامع استپی آسیای مرکزی نیز همچون سایر جوامع بر اساس مجموعه‌ای از مناسبات اجتماعی ایجاد شده بود که ازدواج از جمله آنهاست. ازدواج به‌عنوان یکی از سازوکارهای اساسی هر جامعه‌ای در فرهنگ ترک‌های ساکن آسیای مرکزی - چه کوچرو و چه یکجانشین - نیز وجود داشت و هر قبیله و دولتی در اجرای آن قوانین، سنن و آداب و رسوم مخصوص به خود را داشت. با توجه به مناسبات درازمدت ایران با جوامع استپی آسیای مرکزی، شناخت ابعاد مختلف تاریخ سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... این ناحیه در شناخت تاریخ ایران و عناصر تشکیل دهنده آن بسیار مهم و ضروری است. با این وجود در زبان فارسی پژوهش جدی در موضوع این جستار انجام نگرفته است. از این رو مقاله حاضر به دنبال آن است تا با اتکاء به مراجع تاریخی، چگونگی ازدواج و قواعد آن را در جوامع استپی آسیای مرکزی در دوره پیش از اسلام با رویکردی توصیف‌محور بررسی کند.

۲. نهاد خانواده

خانواده یکی از مهمترین نهادهای هر جامعه به‌شمار می‌آید و نقش مهمی در چگونگی زندگی افراد آن دارد. میراث‌های فرهنگی از جمله دین، فرهنگ، آموزش و پرورش نخست در داخل خانواده شکل می‌گیرند و از طریق نهاد از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شوند. خانواده در هر جامعه‌ای ویژگی‌های خاص خود را دارد. جوامع استپی آسیای مرکزی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. در این جوامع کوچرو خانواده اهمیت زیادی دارد؛ فرزندان بزرگ‌تر پس از دریافت سهم‌شان از خانواده جدا شده و خانواده خود را تشکیل می‌دادند و فرزندان کوچک‌تر، خانه پدری و بقیه میراث را به ارث می‌بردند. نهاد خانواده درون قبیله تعریف می‌شد و هر چند ممکن بود بین اعضای یک قبیله جنگ و درگیری صورت بگیرد، اما افراد قبیله به سبب نسبت هم‌خونی، در مقابل دشمن خارج از قبیله با هم متحد می‌شدند (Golden, 2020: 22).

ساختار اجتماعی زندگی استپی در ازدواج و تشکیل خانواده خود را نشان داده است. برای نمونه زنان بالاتر به حق ازدواج با مردان پایین‌رتبه را نداشتند (Orkun, 1994: 15). باید توجه داشت که در این ساختار، نسب خانوادگی و موقعیت اقتصادی نشان‌دهنده رتبه افراد بود. در میان ترکان باستان، پسری که ازدواج می‌کرد نه زنش را به خانه پدری می‌آورد و نه به خانه همسرش می‌رفت، بل سهم خود را از پدر گرفته و با جهیزیه‌ای که دختر جمع کرده بود خانه‌ای مستقل ایجاد می‌کرد (Gökalp, 1991: 232). بدین ترتیب زوج‌ها برای تشکیل خانواده‌ای جدید، از اموال مشترک خود که نحوه تقسیم‌بندی آن برای دو طرف مشخص بود و مسئولیت اموال زن هم در آن در نظر گرفته شده بود استفاده می‌کردند.

در میان ترک‌ها سه نوع خانواده وجود داشت: در میان ترک‌های یاکوت^۱ (Yakut) خانواده حالت مادرسالاری داشت و تحت تاثیر مردی از جانب مادر مثلاً دایی بود. در میان ترک‌های قرقیز خانواده حالت پدرسالاری داشت و زن پذیرای دین و ارزش‌های خانواده شوهرش به‌شمار می‌رفت. و در میان ترک‌های آلتایی، خانواده پایه مادرسالاری داشت؛ به این ترتیب که مرد موظف بود به عروس، قالین (Kalm) بدهد. در ادامه به صورت مفصل درباره این سنت توضیح داده خواهد شد، اما تعریف مختصر آن عبارت است از چند حیوان که داماد تحویل خانواده عروس می‌دهد، یا به طور موقت برای آنها کار می‌کند (Findıkoğlu, 1945: 267-268).

در دوران پیش از تاریخ ترکان، فرزندان پیش از اینکه به قبیله پدر منتسب شوند، به قبیله مادر منسوب می‌شدند. دلیل آن هم همین سنت قالین بود؛ زیرا مرد با پرداخت قالین، زنش را به قبیله خود می‌برد و چون فرزند در خانواده پدری بزرگ می‌شد، به تدریج قبیله از حالت

مادرسالاری به پدرسالاری تغییر حالت می‌داد. بزرگ‌ترین دلیلی که نشان می‌دهد قبیله‌ها در ابتدا حالت مادرسالاری داشتند، ساختار شمنیسم است (Gökalp, a.g.e:220). هر چند در میان ترکان، مرد صاحب‌خانه به حساب می‌آمد، اما زن نقش بسیار فعالی در جامعه داشت. برای مثال زنان بیش از هر چیز حاکم خانه بودند و مادر بیشتر از پدر بر فرزندان‌ش احاطه داشت (Findıkoğlu, a.g.e:266). این موضوع یکی از عناصر مهمی بود که توسط ترک‌ها وارد فرهنگ چینی نیز شد (Eberhard, 1941:11). با وجود این تفاسیر، ضیاء گوک‌آلپ معتقد است که خانواده قدیم ترک نه مادری بود نه پدری، بل اسم و نسب را می‌گرفت. در نسب، خویشاوندانی هم از طرف پدر و هم از طرف مادر وجود داشت و این دو نوع خویشاوندی از نظر حقوقی برابر بودند. گوک‌آلپ تأکید می‌کند که چون بین پدرشاهی و خانواده پدری فرق وجود دارد، نباید خانواده ترکی را پدرشاهی در نظر گرفت؛ زیرا در خانواده پدری آزادی و برابری وجود داشت و زنان نیز با شوهرشان برابر بودند و اعضای خانواده دو طرف مانند عمو-دایی، خاله-عمه هم از اهمیت و احترام یکسانی برخوردار بودند (Gökalp, a.g.e:228-229). با این حال، سخن گوک‌آلپ درباره تمام قبایل ترکی صدق نمی‌کند؛ به عنوان مثال در حالی که در ساختار اجتماعی یووین‌ها^۲ (Yü-vın) سلطه پدری به چشم می‌خورد، در بین هون‌ها^۳ امور مالی تحت سلطه مادر بود (Eberhard, 1996:90). به نظر می‌رسد با گذشت زمان، سلطه و اقتدار مادر رنگ باخته و اختیارات او به خانواده پدری واگذار شده است.

۳. ازدواج در میان ترکان

ازدواج به‌عنوان یکی از ساختارهای اساسی هر جامعه‌ای در فرهنگ ترک‌های ساکن آسیای مرکزی - چه کوچرو و چه یکنجانشین - نیز وجود داشت و هر قبیله و دولتی در اجرای آن قوانین، سنت‌ها و آداب و رسوم مخصوص به خود را داشت. متون تاریخی و به خصوص منابع چینی بر جای مانده نشان می‌دهند که جوامع مختلفی در آسیای مرکزی با سبک زندگی استپی وجود داشتند که این جوامع کم‌وبیش از فرهنگ، طرز زندگی و آداب و رسوم یکدیگر متأثر بودند. به عنوان مثال همه زنان و مردان گوک‌ترک در مراسم خاکسپاری، با پوشیدن بهترین لباس‌های‌شان حاضر می‌شدند. در این بین اگر پسری عاشق دختری می‌شد به‌وسیله یک نفر میانجی به دختر پیغام می‌فرستاد و والدین معمولاً دخالتی نمی‌کردند. این دست‌مقاله‌ها، ویژگی‌های ساختار زندگی استپی را بازتاب می‌دهند. زیرا زندگی قبیله‌ای مستلزم جابجایی دائمی بود و دختران و پسران جوان در زندگی روزمره خیلی نمی‌توانستند همدیگر را ببینند؛

ازدواج و قواعد آن در جوامع استپی آسیای ... (نوهات مویان و حسن حضرتی) ۲۷۷

در نتیجه مراسم‌هایی از قبیل مراسم خاکسپاری، فرصت مناسبی بود تا دختران و پسران یکدیگر را از نزدیک ببینند و بپسندند (Esin,2001:167; Radloff,1954:132; Kapusuzoğlu,2015:509; Mau-Tsai,2006:23; Gan,2000:361).

باید به این نکته توجه داشت که سنت‌های ازدواج در میان تمام ترکان یکسان نبود. طبق سنت و هوآن‌ها^۴ زن و مرد ملزم بودند مدت‌زمانی پیش از ازدواج، یک دوره را صرف آشنایی کنند. پس از مدتی مرد، زن را به طور نمادین ترک می‌کرد و پس از سه یا شش ماه، از طریق میانجی حیواناتی از جمله اسب، گاو و گوسفند را به‌عنوان هدیه عروسی برای دختر می‌فرستاد. داماد با عروس به خانه عروس رفته و دو سال به خانواده عروس خدمت می‌کرد. پس از این مدت، والدین عروس دختر خود را با هدایای زیادی مانند خانه و وسایل دیگر به‌خانه جدیدش می‌فرستادند (Kapusuzoğlu, a.g.m, 517). همانطور که مشخص است در این‌جا عناصر زندگی استپی از جمله حیواناتی که به‌عنوان هدیه در نظر گرفته می‌شدند، به چشم می‌خورد.

درباره اینکه زنان برای ازدواج حق انتخاب داشتند یا نه نمی‌توان نظری قطعی داد، اما با توجه به گزارش‌های موجود می‌توان چنین برداشت کرد که در بعضی موارد زنان مجبور به ازدواج می‌شدند. در میان هون‌ها اگر در جریان منازعه‌ای کسی به چشم دیگری آسیب می‌زد، به‌عنوان مجازات باید دخترش را به او می‌داد و در شرایطی که صاحب دختر نبود، باید ملک خصوصی زنش را به شخص آسیب دیده واگذار می‌کرد (Maksudi Arsal,1947:261,276; Mau-Tsai, a.g.e:22,63; Radloff, a.g.e:132; Paul Roux, 1989B:702). نمونه یادشده از جمله مواردی است که می‌تواند به‌عنوان شاهدی بر رواج ازدواج اجباری بین ترک‌ها در نظر گرفته شود. با این حال به نظر می‌رسد که در بعضی جوامع، زنان از وضعیت بهتری برخوردار بودند؛ به‌عنوان مثال در میان تایی-آن‌ها^۵ (Ta-yiiian) مردان به حرف‌شنوی از زنان و حفظ احترام آنها شهره بودند. در این قبیله رسم بر این بود که پیش از ازدواج، زن برای شناخت مرد سه کنیز نزد او می‌فرستاد و تنها در صورتی که مرد می‌توانست در مقابل آنها جلوی هوای نفس خود را بگیرد، آن وقت زن به ازدواج با او رضایت می‌داد (Eberhard,1942:C.7,144-145). در میان دیگر قبیله ترک‌ها یعنی بورداس‌ها^۶ (Burdas) که در میان خزرها زندگی می‌کردند، دختری که به بلوغ می‌رسید، از احاطه پدر خویش خارج می‌شد و می‌توانست هر مردی که دوست داشت را انتخاب کند تا پدر، آن پسر را برای دخترش خواستگاری کند (Şeşen,2010: 73). طبق سنتی جالب نزد تولس‌ها^۷ (Töles) وقتی مردی ازدواج می‌کرد، به‌عنوان داماد سرخانه به خانه زن خود می‌آمد و تا زمانی که این زوج صاحب فرزند نمی‌شدند، نمی‌توانستند به‌خانه مستقل خود بروند

(Kapusuzoğlu, a.g.m:515). این رسم در میان تیغلوها^۱ (Tiğ-lo) - که از هون‌ها محسوب می‌شدند - هم رواج داشت و مرد تا زمان تولد فرزندش در خانه خانواده همسرش می‌ماند (Eberhard, 1996:78).

یکی از نکات مهم برای ازدواج در فرهنگ مردم استپی، بکارت دختر بود (Özdenç, 1988:226; Has Hacip, 2019:354-358). این موضوع در منابع اصلی تاریخ ترکان از جمله دیوان لغات الترک کاشغری که حاوی اطلاعات زیادی درباره فرهنگ و آداب و رسوم ترکان است نیز به چشم می‌خورد. در فرهنگ قدیم ترکان از کلمه «قیز» (Qız) هم در معنای دختر و هم در معنای جاریه و هم در معنای دختر باکره استفاده می‌شد (Kaşgarlı, 2021:389). بکارت زنان به عنوان نشانه‌ای از نیرومندی آنها نیز در نظر گرفته می‌شد، به طوری که کاشغری گفته است: «قیز بیرله کورشمه» (Qız birle küreşme) یعنی با دختر باکره کشتی‌نگیر زیرا قوی است و تو را زمین خواهد زد (Kaşgarlı, a.g.e, 386).

از جمله سنت‌های مربوط به ازدواج در بین ترکان، سنت «دل گرفتن» (Döl Almak) بود که این سنت خیلی مورد توجه محققان قرار نگرفته است. دل گرفتن عبارت بود از نوعی رابطه جنسی که طی آن، زن برای به دنیا آوردن فرزندی با ویژگی‌های ممتاز با مردی غیر از شوهرش (معمولاً مردی دارای ویژگی‌های جوانمردی و قهرمانی) همبستر می‌شد. عبدالقادر اینان معتقد است که ریشه‌های دل گرفتن به دوره‌های ابتدایی و به احتمال زیاد به دوره مدارسالاری برمی‌گشت. این رسم که در میان رومیان و اعراب پیش از اسلام به وضوح رواج داشت، در میان قبایل کوچرو آسیای مرکزی نیز به صورت مخفیانه رایج بود (İnan, 1948:135). احتمال می‌رود این رسم از طریق روابط سیاسی و تجاری با جوامعی که از آنها نام برده شد، وارد جوامع ترکان شده باشد. حتی در کتاب دده قورقود نیز به این رسم اشاره شده است (Ergin, 2009:47). اما نکته‌ای که بیشتر جلب توجه می‌کند این است که در این کتاب، دل گرفتن به صورتی تحقیرآمیز و در مورد دشمنان به کار رفته است.

گسترده‌گی سرزمین‌های استپی باعث شده بود گروه‌های جمعیتی مختلفی از جمله چینی، مغولی، ترک و قبایلی که از ترکیب آنها به وجود آمده بودند در آنجا ساکن باشند و در نتیجه فرهنگی ترکیبی در آنجا شکل بگیرد. وجود ارتباطات مختلف میان این گروه‌ها منجر به ازدواج آنان نیز می‌شد. ازدواج‌هایی که بین چینی‌ها و ترکان انجام می‌شد نتایجی داشت که می‌توانست از نتایج ازدواج‌های بین ترکان و مغولان متفاوت باشد؛ چرا که طرز زندگی مغولان، کوچروی و طرز زندگی چینی‌ها یکجانشینی بود و خواه ناخواه این نوع سبک زندگی تفاوت‌های

ازدواج و قواعد آن در جوامع استپی آسیای ... (نوهات مویان و حسن حضرتی) ۲۷۹

فرهنگی، اجتماعی، فکری و اقتصادی را نیز در پی داشت. مثلاً بانوی امپراتور ختایی، دختر یکی از اشراف ترک بود که حتی پس از ازدواج نیز همچنان تحت تأثیر فرهنگ ترکی باقی مانده بود و نقش مهمی در تبدیل الفبای اویغوری به خط رسمی دولت ختایی داشت (Ögel, 1971: 116).

از دیگر نمونه‌های جالب توجه در ازدواج برون‌گروهی ترکان، هون‌ها هستند. در میان هون‌ها همه قبایل در یک مرتبه قرار نمی‌گرفتند و به خاطر ساختار خانوادگی قبایل کوچرو، در فرهنگ آنها ازدواج بیرونی نیز وجود داشت (Nemeth, 1982: 36). مثلاً تبغاج‌ها^۹ از ازدواج یک مرد چینی و یک زن هون به وجود آمده بودند، اما چون در بین هون‌ها سلطه مادری وجود داشت، چینی‌ها آنها را از خودشان حساب نمی‌کردند (Eberhard, 1996: 80). همچنین ازدواج میان شان‌یوها (Şan-yü) (گروهی از هون‌ها) و خانواده امپراتوری چین باعث شده بود آنها با ایده امپراتوری و سازمان دولتی و در کل با فرهنگ چینی آشنا شوند (Rasonryi, a.g.c: 67). ازدواج با مرد خارجی فقط منحصر به طبقات بالا نبود، بلکه امری معمولی بود که بین مردم معمولی هم می‌توانست اتفاق بیفتد. ازدواج یک تاجر یونانی با یک زن سکایی در دوره هون‌ها نمونه‌ای از این قضیه است (Ahmetbeyoğlu, 1990: 35-36).

این ازدواج‌های برون‌گروهی باعث به وجود آمدن تأثیراتی در فرهنگ ترکان استپی شده بود. سنت ازدواج اشراف اویغوری با زنان چینی یکجانشین، آنها را به زندگی شهری عادت داده بود. علاوه بر این و با در نظر گرفتن نقش تجارت در زندگی شهری اویغوری‌ها، در مرحله بعد روی به گسترش تجارت اسب آورده و تجارت خود را با چینی‌ها افزایش داده - بودند (Von Gabain, 1944: 692). میان دولت چین و خاقانان ترک، ازدواج‌هایی صورت گرفت که برای نسل‌ها ادامه یافت و در نتیجه تأثیر مداوم چین بر ترک‌ها، زندگی شهری و تجارت در میان اویغورها گسترش یافت. علاوه بر این، بسیاری از خاقانان ترک با شاهزاده خانم‌های چینی که با ترتیب اصول اخلاقی کنفوسیوس تربیت یافته بودند، ازدواج می‌کردند و این شاهزاده خانم‌های چینی عقاید این فیلسوف چینی را در فرزندان خود که در آینده قآنان ترک می‌شدند، پرورش می‌دادند (Mau-Tsai, a.g.c: 514).

۴. ازدواج‌های سیاسی

از جمله مهمترین نمودهای ازدواج برون‌گروهی در این جوامع، ازدواج‌های سیاسی است. ازدواج‌های سیاسی یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در دیپلماسی بین دولت‌ها بود و به تقریب از سوی اغلب دولت‌ها مورد توجه بود. این ازدواج‌ها برای شکل‌گیری مناسبت‌های

سیاسی میان دولت‌ها بسیار مهم بود و در بین قبایل استپی نیز بسیار اتفاق می‌افتاد. این اتفاق به‌ویژه در زمان جنگ‌ها و زمانی که طرفین تصمیم به پایان بخشیدن به درگیری‌ها می‌گرفتند، رخ می‌داد. گاهی اوقات نیز ایجاد پیوند زناشویی راهی بود برای افزایش قدرت سیاسی. این مورد، به‌خصوص در میان قبایل ترک استپی که به منظور شریک‌شدن در قدرت امپراتور چین با زنان چینی ازدواج می‌کردند، قابل مشاهده است. در برخی موارد نیز چینی‌ها برای زیر سلطه قرار دادن قبایل اطراف خود، با این ازدواج‌ها موافقت می‌کردند. چینی‌ها به این فکر می‌کردند کودکی که از این شاهزاده به دنیا می‌آید، یک روز می‌تواند بر تخت حکومت‌های ترکی بنشیند و در نتیجه با چینی‌ها روابط خوبی برقرار کند (همان‌جا). با این حال در زمان ضعف یا فروپاشی دولت چین، قبیله‌های ترک یا مغولی بر اساس ازدواج‌هایی که بین اجدادشان و شاهزاده خانم‌های چینی صورت گرفته بود، خود را جانشین مشروع سلسله‌های منقرض شده چینی می‌دانستند (Rasonry, a.g.e:75). در این ازدواج‌ها، زنانی که با قآن ازدواج می‌کردند، به‌عنوان همسر اول قآن، «خاتون» نامیده می‌شدند. این خاتون‌ها معمولاً از اعضای خانواده قبایل تابع و گاه از سلسله‌های خارجی بودند و با در نظر گرفتن منافع سیاسی طرفین، ازدواج با آنها صورت می‌گرفت. بسیاری از شاهزاده خانم‌های چینی بر همین مبنا با خاقان‌های ترک و اویغور ازدواج کرده بودند. از سوی دیگر، برخی از شاهزاده خانم‌های خزر، کومان و غیره به ازدواج امپراتوران بیزانس و دیگر دولت‌های خارجی درآمده بودند (همان، ۶۰).

ازدواج‌هایی که بین چینی‌ها و گوک‌ترک‌ها انجام می‌شد، یک سیاست مهم از طرف چینی‌ها بود که از این طریق می‌خواستند ترک‌ها را جلوی چشم‌شان داشته و آنها را تحت تاثیر خود قرار بدهند. در متون تاریخی نیز به این نکته اشارات زیادی شده است. برای مثال بیلگه‌خان مثل اجدادش از چینی‌ها درخواست ازدواج کرده بود و چینی‌ها از این موضوع خیلی سوءاستفاده می‌کردند؛ به طوری که حتی بیلگه‌خان به این سبب اتحاد با تبت علیه چینی‌ها را هم قبول نکرده و به امید ازدواج با زن چینی با دولت آنها به‌خوبی برخورد می‌کرد (Orkun, a.g.e:11-12). تاثیر ازدواج‌های سیاسی در روابط گوک‌ترک‌ها و حکومت‌های چینی را می‌توان در پیشنهادی که تئو چینگ (Tou Ching) سردار چینی به امپراتور چین تایی تسونگ (Ta-i Tsung) ارائه کرد نیز مشاهده نمود. او پیشنهاد داده بود از طریق ازدواج شاهزاده خانم‌های چینی با خاقان‌های گوک‌ترک و دادن القاب چینی به آنها می‌توان همیشه آنها را به‌عنوان واسطه در کنار خود نگاه داشت (Taşağıl, 1999: C.2, 22). از طرفی هم برای فرمانروایان استپ، هر اتحادیه سیاسی ملزم به

ازدواج و قواعد آن در جوامع استپی آسیای ... (نوهات مویان و حسن حضرتی) ۲۸۱

ازدواج بود. میجووه یا همان کاپگان^{۱۱} قآن چون آرزو داشت با یک شاهزاده خانم چینی ازدواج کند، روابط خود را بر این اساس تنظیم می کرد (Orkun,a.g.e:10).

گاهی اوقات حاکمان برای جلب حمایت و اتحاد با دیگران دست به ازدواج سیاسی می زدند تا از این راه بتوانند نیروی بیشتری کسب کنند. برای نمونه در جنگی که به سال ۷۵۱م/۱۳۳ق. در تالاس بین نیروهای عرب و چینی ها رخ داد، چینی ها شکست سنگینی خوردند و این باعث شد مناطقی که از لحاظ کشاورزی اهمیت داشتند، به دست اویغورها بیفتد. در نتیجه فرمانده چینی به نام آن لوشان (An-lu-shan) از آشفتگی اوضاع داخلی چین استفاده و علیه امپراتوری چین شورش کرد. در این شورش، چینی ها نخست از اعراب کمک خواستند، اما این کمک اعراب به جایی نرسید تا اینکه بالاخره اویغورها خودشان به چینی ها کمک کردند. پس از سرکوب این شورش، امپراتور چین دختر خود را به ازدواج میون چور قآن (Moyun Çur Kağan) در آورد. این موفقیت باعث شد اویغورها در چین قوی تر شوند و هر سال ۲۰ هزار طاقه ابریشم از امپراتور چین دریافت کنند (İzgi,1989:17-18; Grousset,1980:129; Von Gabain,a.g.e:623).

این نزدیکی و دوستی به نفع چینی ها بوده و به کار آنها می آمد. برای مثال از آنجایی که خاقان های اویغوری اغلب با شاهزاده های چینی ازدواج کرده بودند، در مواقعی که سلسله تانگ با بحران روبرو می شد، اویغوری ها دستیاران فرمانروایان چین و حامیان امپراتوری می شدند (Rasonyi,a.g.e:106). گاهی وقت ها بدون اینکه قآنان ترک پیشنهاد ازدواج بدهند، امپراتور چین خود برای منافع سیاسی و تجاری به آنها پیشنهاد ازدواج با زنان چینی را می داد. مثلاً در سال ۸۲۲م/۲۰۷ق. امپراتور چین به اویغوری ها یک شاهزاده خانم و ۵۰۰۰۰ طاقه ابریشم داد (İzgi,1978:104). خاقانان ترک نیز از هر فرصتی برای ازدواج با زنان چینی استفاده می کردند؛ مانند موجو تارکان قآن اویغور که در سال ۷۸۷م/ ۱۷۰ هیئت را به چین فرستاد و محصولات کشور خود را به عنوان خراج به امپراتور هدیه کرده و درخواست ازدواج کرد (a.g.e:104; İzgi,1989:35). گاهی اوقات هم خاقان ها برای خودشان خواستگاری می کردند و برای کسب موافقت چینی ها دست به فداکاری های بزرگی می زدند؛ مانند آلپ بیلگه که حاضر شد با چینی ها علیه تبت متحد شود تا ازدواج مورد نظر او انجام شود. در ۸۲۱م/۲۰۶ق. و زمانی که چینی ها با این ازدواج موافقت کردند، با اینکه وی مرده بود جانشین او کوچلوک بیلگه با همان دختر مورد نظر ازدواج کرد (Orkun,a.g.e:227). آن چنان که منابع تاریخی نشان می دهند این ازدواج ها تا زمانی انجام می شد که ترکان از اوضاع سیاسی خوبی برخوردار بودند.

برای مثال زمانی که گوک‌ترک‌های غربی در آستانه فروپاشی بودند، امپراتور چین با درخواست خاقان مینی بر ازدواج شاهزاده خانم چینی با او موافقت نکرد و دلیل مخالفتش را بی‌ثباتی گوک‌ترک‌ها اعلام کرد (Tasagil, a.g.e: C.2, 64). گاهی اوقات نیز با تغییر امپراتور در چین، سیاست دولت در برابر ترک‌ها تغییر می‌کرد. چینی‌ها معمولاً زمانی که متوجه می‌شدند نمی‌توانند با ترک‌ها کنار بیایند، تصمیم می‌گرفتند از طریق ازدواج‌های سیاسی با آنها روابطی دوستانه و نزدیک برقرار کنند (Rasonyi, a.g.e: 98). در نتیجه می‌توان چنین برداشت کرد که مهم‌ترین انگیزه برای این دسته ازدواج‌ها فقط منافع سیاسی بود.

در واقع ازدواج برای دو دولت امتیازی محسوب می‌شد که به واسطه آن احتمال جنگ بین آن دو را به شدت کاهش می‌داد. زمانی که بین آنها نسبت خویشاوندی برقرار می‌شد، بسیار کم پیش می‌آمد که مقابل همدیگر بایستند. همچنین این ازدواج‌ها گاهی اوقات نوعی تهدید نیز به حساب می‌آمدند، چرا که اگر طرف مقابل این پیشنهاد را قبول نمی‌کرد و طرف خواستگار از قدرت بیشتری برخوردار بود، آن وقت می‌توانست به آنها حمله کند یا علیه آنها با دولت‌های دیگر متحد شود. بومین قآن (Bumin Kağan) فرمانروای گوک‌تورک‌ها به دلیل اینکه آوارها را از حمله توله‌ها باخبر کرده بود، از آنها درخواست ازدواج داشت و چون این درخواست از سوی خاقان آوارها، آناکویی (Anakucyi) مورد قبول قرار نگرفت، با تبغاج‌ها متحد شده و با یکی از دختران آنها را به ازدواج خود درآورد. در نتیجه این ازدواج، اتحادی تشکیل شد و با حمله مشترکی که علیه آوارها انجام گرفت، از میان برداشته شدند (Grousset, a.g.e: 93-94).

نکته قابل توجه در این گونه ازدواج‌ها این است که از زنان هیچ نظرخواهی نمی‌شد. احتمال می‌رود زنان خودشان را موظف به این ازدواج‌ها می‌دیدند و برای ادامه دولت و سلطنت خانواده‌شان مخالفت نمی‌کردند. شاید هم این زنان بر اساس اصول و قواعد این ازدواج‌ها طوری پرورش داده می‌شدند که نقش نیروی متحدکننده بین دو دولت را بر عهده داشتند. معلوم است که در بعضی موارد زنان برای منافع سیاسی یا تجاری دولت‌ها مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفتند. پیوند زناشویی در بعضی مواقع برای افرادی جز امپراتور و به دلایل مختلفی مانند برقراری روابط تجاری هم می‌توانست انجام گیرد. همانطور که در سال ۶۲۰م. گوکتورک‌ها سفیری همراه با حدود صد هزار اسب هدیه نزد وانگ‌شیه‌تسونگ (Wang shih-tsung) فرمانروای چینی فرستاده بودند که وانگ در مقابل این هدایا دختر خود را به چولو قآن داده و بدین ترتیب روابط تجاری بین آنها آغاز شده بود (Izgi, 1978: 100; Izgi, 1973-). (1975: 150).

ازدواج و قواعد آن در جوامع استپی آسیای ... (نوهات مویان و حسن حضرتی) ۲۸۳

این ازدواج‌ها فقط به زن گرفتن از چینی‌ها محدود نمی‌شد و گاهی اوقات خاقانان ترک خواهان ازدواج دختران خود با شاهزادگان چینی می‌شدند. به احتمال زیاد آنها نیز مانند چینی‌ها دنبال این بودند که از طریق دخترهای خود و بچه‌هایی که از شاهزادگان چینی به دنیا می‌آمدند، برای خود نیرویی به دست آورند و روابط محکم‌تری بین دو دولت ایجاد کنند. در این مورد می‌توان به درخواست کاپگان قآن از ملکه چینی برای ازدواج دخترش با یک شاهزاده چینی اشاره کرد (Taşağıl, 2004: C.3, 23-24). حتی کاپگان قآن بعدها درخواست کرده بود که دخترش با جانشین امپراتور چین ازدواج کند و بدین منظور سفیری هم روانه کرده بود (a.g.e: 29-30; Orkun, a.g.e: 10). این دست ازدواج‌ها برای ترک‌ها بسیار مهم بود، بطوری که در صورت مخالفت چینی‌ها امکان جنگ نیز وجود داشت. همانند مورد بیلگه قآن که به خواستگاری دختر امپراتور چین رفته ولی پذیرفته نشده بود. وی به دنبال آن بود که مانند کاپگان قآن که او نیز به همین دلیل تصمیم به جنگ با چین داشت، به این کشور حمله کند، اما وزیر او این کار را درست ندیده و بالاخره او را از انجام این کار منصرف کرد (Taşağıl, a.g.e: 49).

ازدواج‌های برون‌گروهی ترکان منحصر به چینی‌ها نبود و گاهی وقت‌ها بین خود ترک‌ها و سایر استپ‌نشینان نیز رخ می‌داد. به عنوان مثال در میان قبایل استپی خاقان یه‌داها^{۱۱} (Ye-da) با سه دختر خاقان ژوان ژوان‌ها^{۱۲} ازدواج کرده بود (Eberhard, 1996: 105-106). یا بارس بیگ که توسط کاپگان، رئیس ترگیش‌ها^{۱۳} شده بود، خواهر کاپگان را به زنی گرفت (Taşağıl, a.g.e: 33; Orkun, a.g.e: 39; Ergin, a.g.e: 15; Tekin, 1994: 43). این مسئله از چند جنبه اهمیت پیدا می‌کند. نخست این که کاپگان قآن برای به قدرت رسیدن بارس بیگ به او کمک سیاسی کرده و برای تحت کنترل داشتن بارس بیگ خواهر خود را نیز به ازدواج او درآورد. از طرف دیگر، چون بین اقوام آسیای میانه همیشه کشمکش‌هایی صورت می‌گرفت، او از این طریق می‌توانست برای خودش یک متحد سیاسی به دست بیاورد که در صورت وقوع جنگ احتمالی بتواند از او به عنوان یک متحد سیاسی استفاده کند. نمونه‌ای دیگر از این موضوع، اشاره به بیلگه قآن در قسمت شرقی کتیبه اورخون است که برای استحکام روابط تجاری، دختر خود را عروس خاقان تورگیش‌ها کرده و از میان آنها برای پسر خود دختری را گرفته بود (Orkun, a.g.e: 56-57; Ergin, a.g.e: 61; Tekin, a.g.e: 33).

ازدواج‌های سیاسی با دولت‌های همسایه مانند ساسانیان نیز صورت می‌گرفت. قآن گوک‌ترک‌های غربی، ایستمی، برای اینکه بتواند با هون‌های سفید بجنگد دختر خود را به رقیب همیشگی خود یعنی خسرو انوشیروان ساسانی داد تا به او کمک سیاسی کند

(88: Taşağıl, 2003; Taşağıl, 2013: 135; Grousset, a.g.e: 95) به نظر می‌رسد در این ازدواج‌ها زنان به‌عنوان یک ابزار بین دولت‌ها عمل می‌کردند و در تقویت روابط حسنه بین آنها نقش داشتند. نمونه‌ای دیگر از ازدواج‌های ترکان با دولت‌های همسایه مربوط به هون‌ها است که آتیلا از طریق ازدواج با خواهر امپراتور روم هونوری (Honorio) می‌خواست قسمتی که به‌عنوان سهم از دولت روم به این زن می‌رسید را تصرف کند. وی حتی به بهانه جواب منفی به روم حمله نیز کرده بود. هرچند در نهایت این ازدواج هرگز انجام نشد (Rasonyi, a.g.e: 71; Nemeth, a.g.e: 113; Ahmetbeyoğlu, a.g.e: 60; Taşağıl, 2013: 295). همچنین یوستینیانوس و کنستانتین پنجم با دختران خان خزر ازدواج کرده بودند تا اتحاد خزرها علیه اعراب را تضمین نمایند (Rasonyi, a.g.e: 115). درخواست ازدواج روس‌ها با دختران قومان پس از شکست روس‌ها از ایشان هم از دیگر نمونه‌های ازدواج میان ترکان و جوامع اطرافشان است (Rasonyi, a.g.e: 138). آخرین نمونه از این دست ازدواج‌ها ماجرای ازدواج شاهزاده ساسانی و شاه هون‌های سفید است. در زمان پادشاهی خسرو انوشیروان میان ساسانیان و هون‌های سفید جنگ شروع شد و ایرانیان به دلیل احتمال نتایج منفی این جنگ در پی اتحاد با هون‌های سفید برآمدند و در مقابل این صلح، شاه ساسانی پیشنهاد داد تا خواهرش را به ازدواج جیداریت (Cidarit) شاه هون‌های سفید، درآورد؛ ولی در اصل به جای خواهرش، یکی از خدمتکاران خود را فرستاده بود. این زن بعد از ازدواج، واقعیت را به جیداریت گفت و در حالی که تصور می‌کرد یک شاه، یک زن خدمتکار را به‌عنوان همسر، نخواهد پذیرفت اما جیداریت به دلیل صداقت این زن، او را به‌عنوان همسر خود نگه داشت (Ahmetbeyoğlu, a.g.e: 76).

۵. قواعد ازدواج

در میان جوامع استپی، ازدواج نیز قواعد خاص خود را داشت. در بین ترک‌ها ازدواج بین همخون‌ها ممنوع بود و در بیشتر موارد شرط مهم ازدواج موافقت پدر، مادر و معمولاً دختر بود. شرط دیگر، دادن قالین (شیربها)^{۱۴} بود که بیشتر معنای مشارکت داماد و خانواده او در هزینه تربیت دختر داشت؛ قالین می‌توانست به صورت اهدای اسب، گاو یا گوسفند باشد. در صورت مرگ زن اگر قبل از مرگ بین او و شوهرش رابطه جنسی صورت می‌گرفت، داماد باید قالین را پرداخت می‌کرد. در مقابل قالین، وظیفه تأمین جهیزیه هم بر دوش عروس بود (Maksudi Arsal, a.g.e: 334-335). قرار گرفتن قالین در میان شروط مهم ازدواج حاکی از آن است که زن در جوامع استپی از لحاظ کارهایی که انجام می‌داد، نقش مهمی داشت. زمانی که ازدواج

صورت می‌گرفت مقدار کار و در نتیجه درآمدی که توسط دختر خانواده کسب می‌شد، از بین می‌رفت و بنابراین برای اینکه این کاهش جبران شود به خانواده او کمک مالی می‌کردند. خانواده‌های ثروتمند مبلغ زیادی برای قالین به دختران می‌پرداختند و فقرا اغلب به دلیل نداشتن پول، دختران را می‌دزدیدند (Kapusuzoğlu, a.g.e:516). به طور کلی آنهایی که نمی‌توانستند قالین را فراهم کنند، زن مورد علاقه خود را می‌دزدیدند؛ مانند توپوهون‌ها^{۱۵} (Tu-yühun) که در آن مردمان فقیر زن‌شان را با دزدیدن می‌گرفتند (Eberhard, a.g.e:103). قرقیزها به خانواده عروس گوسفند و اسب به عنوان قالین می‌دادند (a.g.e:69). اویغورها نیز از گاو و اسب بدین منظور استفاده می‌کردند. آنها حتی طی مراسم ازدواج اجازه می‌دادند که خانواده عروس از گله اسب‌ها هر اسبی که دوست داشتند را انتخاب کنند و بعد از اینکه هر نفر یک اسب انتخاب می‌کرد، مراسم به پایان می‌رسید (Radloff, a.g.e:128). سنت ازدواج در قبیله جنوبی شی وی^{۱۶} نیز به این صورت بود که پس از رضایت هر دو خانواده، داماد با دختر فرار می‌کرد و سپس تعدادی از بهترین گوسفندها و اسب‌ها را به عنوان هدیه برای خانواده دختر می‌فرستاد. آنها پیش از بازگشت به خانه منتظر می‌ماندند تا زن باردار شود. ازدواج مجدد زنان و همچنین زندگی با زنانی که شوهرشان فوت کرده بود از جمله ممنوعیت‌های ازدواج در برخی جوامع ترکی بودند (Kapusuzoğlu, a.g.e:517). رسم ازدواج اغوزها به این شکل بود که در قبال چند دست لباس خوارزمی به خواستگاری می‌رفتند. مهریه می‌توانست چند شتر، چهارپا یا هر چیزی دیگری باشد. زمانی که به سرپرست زن مهریه داده می‌شد، داماد به راحتی می‌توانست به خانه او رفته و زنش را نزد خود بیاورد (ابن فضلان، ۲۵۳۵: ۷۰-۷۱).

۱.۵ سنت قالین

بر اساس قوانین ترک‌ها، مردی که برای خواستگاری می‌آمد باید سنت قالین را اجرا می‌کرد. به تقریب در بیشتر آداب و رسوم قبایل ترکان، این سنت از قدیم اجرا می‌شد. قالین می‌توانست به صورت کالا یا نقدی باشد. ازدواج بعد از پرداخت کامل این اموال انجام می‌گرفت. طبق منابع تاریخی، نرخ قالین هم در بین مردم عادی و هم در بین طبقه حاکم با توجه به درآمد آنها تعیین می‌شد. با توجه به اینکه در میان عشایر کوچ‌نشین ترک، ساختار جامعه بر اساس پدرسالاری (Patriarkal) و ازدواج خارج از خانواده (برون‌همسری) (Exogami) بود. خانواده‌های تازه تأسیس منتسب به طرف شوهر می‌شدند. در نتیجه زن به خانواده شوهرش خدمت می‌کرد و جزو دارایی‌های او به شمار می‌رفت. بنابراین لازم بود مرد زن را از پدرش بخرد (İzgi, 1973-).

1975:157). در ازای عروس، انواع حیوانات اهلی گران قیمت مانند اسب، شتر و گوسفند به خانواده او داده می‌شد (Eberhard, a.g.e:73). بهاء‌الدین اوگل، قالین را به معنای خریدن زن نمی‌داند. وی معتقد است که قالین چیزی است شبیه به «هدیه صبح» (Morgengabe) که در میان آلمانی‌ها رواج داشت و ویژگی‌های «مهریه» که در اعراب دیده می‌شد را نداشت. ارزش آن در کم و زیاد بودنش نبود، بلکه فقط به عنوان هدیه در نظر گرفته می‌شد (Ögel, 1988:211; Findikoğlu, a.g.e:272). کاشغری نیز به قالین در معنای پول شیر بهاء اشاره کرده است (Kaşgarlı, a.g.e:345).

داماد پس از دادن قالین، دختر را به طور نمادین فراری می‌داد و با او ازدواج می‌کرد. راسونیی این رسم را بازمانده رسم واقعی دختر دزدیدن (Rasonryi, a.g.e:56) و جان پاول روکس دزدیدن زن را نماد غلبه مرد بر زن در فرهنگ استپی دانسته‌اند (Paul Roux, 1989B:718). بنابراین نظر امل اسین برای اینکه زنان و مردان با هم ازدواج کنند، اول با هم کشتی می‌گرفتند (Esin, 1991:472). پائول کشتی گرفتن را قبول نداشته و معتقد است که قبلاً زنان با مردان می‌جنگیدند و مردی که بر زن غلبه می‌کرد، دستش را به نشانه پیروزی بر سینه زن می‌گذاشت. نکته مهم این بود که پسر در صورت اجازه دختر می‌توانست بدن او را لمس کند. این رسم بعدها تبدیل به دزدیدن زن شده بود. در هر دو حالت اگر زن اجازه می‌داد، مرد می‌توانست او را بدزدد و اگر زن اجازه می‌داد مرد می‌توانست در جنگی که با او داشت با لمس سینه‌هایش بر او غلبه کند (Paul Roux, 1989B:717-718).

۲.۵ سنت لویرات

سنت لویرات یا لویراتوس (Leviratus) سنتی بود که در بیشتر جوامع کوچرو استپی رایج بود و می‌توان آن را نوعی قانون نانوشته دانست. این قانون نانوشته به تقریباً در همه دولت‌ها و قبائل ترک، چه در دوره‌های پیش از اسلام و چه در دوره‌های پس از اسلام، به عنوان یکی از شروط ضروری ازدواج قلمداد می‌شد. لویراتوس در دولت گوک‌ترک بدین شکل بود که بعد از مرگ یک مرد: پدر، برادر، عمو، پسر، برادرزاده یا برادر متوفی با نامادری یا زن برادر خود ازدواج می‌کرد. همچنین عمو نیز می‌توانست با زن برادرزاده متوفی خود ازدواج کند. فقط رؤسای قبایل نمی‌توانستند با زن نسل بعدی خود ازدواج کنند (Gan, a.g.e:362). در این سنت، مردان پیر نمی‌توانستند با زنان جوان‌تر از خود ازدواج کنند (Mau-Tsai, a.g.e:23). در شیوه زندگی هون‌ها، اگر پدر می‌مرد، پسران با تمام زنانی که پدرشان بعد از مادرشان با آنها وصلت کرده بود، ازدواج

ازدواج و قواعد آن در جوامع استپی آسیای ... (نوهات مویان و حسن حضرتی) ۲۸۷

می‌کردند. اگر برادر می‌مرد، برادران دیگر همه زانش را می‌گرفتند و با آنها ازدواج می‌کردند. سبب رواج سنت لویراتوس جلوگیری از پراکنده شدن خانواده و مشارکت سایرین در اموال و ثروت شوهران متوفی بیوه‌ها و در نتیجه ثروتمند شدن قبیله‌های دیگر از طریق ازدواج مجدد بود (Deer, a.g.e:162).

لویراتوس به نوعی بخشی از ساختار فرهنگ استپی به‌شمار می‌آمد که در میان قبایل ترک جاری بود. از آنجایی که زن تحت مالکیت خانواده شوهرش بود، پس از مرگ شوهرش در خانواده او باقی می‌ماند، زیرا بر اساس عرفی که در جامعه استپی وجود داشت، برادر شوهر، پسر شوهر از همسر دیگر یا یکی دیگر از اعضای خانواده مرد می‌توانست با زن ازدواج کند. راسونیی معتقد است که این رسم فقط مختص طبقات بالا بود (Rasonyi, a.g.e:56-57). اما سندی اویغوری مشخص می‌سازد که این سنت بین مردم عادی نیز انجام می‌گرفت. در این سند مرد از زنش خواسته که بعد از مرگ او، با کسی ازدواج نکند و به تربیت فرزندان‌شان مشغول شود. همچنین در ادامه این سند آمده است که دو پسر بزرگ او هم درخواست ازدواج با نامادری خود نکنند (Arat, 1964:32; İzgi, 1973-1975:155; Özden, a.g.e:227). به نظر می‌رسد مرد پیش از مرگ خود قدرت داشته که از طریق وصیت‌نامه مانع اجرای لویراتوس شود. شاید هم این سنت توسط بعضی پسران یا برادران مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفت که مرد پیش از مرگ خود به آن اشاره کرده بود. بهترین اطلاعات درباره لویراتوس را می‌توان از مکالمه بین یک مأمور چینی به نام زونگ تانگیو (Zhong Tangyue) که سال‌ها در دربار هون مانده و سفیر چین بود، دریافت کرد. مأمور چینی اشاره می‌کند که: «وقتی پدر و برادر می‌میرند، ازدواج با همسرشان به این دلیل است که نمی‌خواهند اصل و نسب‌شان از بین برود. به همین دلیل، اگرچه به نظر می‌رسد که هون‌ها روابط مختلطی دارند، اصل و نسب آنها قطعاً نظم خاصی دارد.» (Kirilen, 2015:24; Onat, Orsoy ve Ercilasun, 2004:17-18) به گفته این مأمور و همین‌طور بیشتر محققان، هدف اصلی از اجرای سنت لویراتوس که در بسیاری از جوامع کوچ‌چرو دیده می‌شد، محافظت از آنچه متوفی بر جای گذاشته و تضمین تداوم وحدت و نظم بود. بنابراین ارث باقی مانده از متوفی به دست غریبه نمی‌افتاد.

ابرهارد بر اساس منابع چینی معتقد است که قبائل مختلف استپی در جوامع خود این سنت را اجرا می‌کردند؛ از جمله تو یوهون‌ها (Tu-yühun) که یک قبیله استپی بودند و رسوم آنها شبیه ترک‌ها بود؛ آنها با همسر برادری که بدون فرزند مرده بود، ازدواج می‌کردند (Eberhard, a.g.e:103). همچنین در میان هون‌ها چنین رسم بود که پس از مرگ مردی، پسرهای

او با نامادری بیوه خود ازدواج می‌کردند و اگر پسر نداشت برادر با زنان برادر مرده ازدواج می‌کرد (Nemeth, a.g.e:36; Eberhard, a.g.e:76). در سیاحتنامه ابن فضلان که به سرزمین اغوزها سفر کرده بود نیز به این قضیه اشاراتی شده است. به گفته او پس از مرگ مردی، پسر بزرگ او با نامادری خود ازدواج می‌کرد (ابن فضلان، همان: ۷۱۲). این نشان می‌دهد که لویرات بین اغوزها در پیش از اسلام نیز وجود داشته و پس از اسلام نیز رد پای آن را می‌توان در شاخه‌های مختلف آنها از جمله سلجوقیان مشاهده کرد. برای مثال می‌توان به همسر میکائیل که پس از مرگ شوهرش با برادر او یعنی موسی بیغو ازدواج کرد یا درخواست ازدواج ترکان خاتون از تئش که برادر شوهر متوفایش یعنی سلطان ملکشاه بود، اشاره کرد (راوندی، ۱۳۶۴: ۱۴۰؛ خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، ۱۳۸۶: ۴۱).

مقصودی آرسال معتقد است که در سنت ترکی قدیم، لویرات وجود داشت، به این صورت که ازدواج با عروس (پس از مرگ عمو و برادر) در حقوق ترک‌ها بود؛ ولی ازدواج پسر با نامادری که در متون تاریخی چینی‌ها به آن پرداخته شده، مورد شک قرار گرفته است. مهمترین دلیل لویرات این بود که زنان بیوه باید حمایت می‌شدند (Maksudi Arsal, a.g.e:336-337). همان‌طور که اوزکان ایزگی در این مورد با مقصودی آرسال موافق نیست (İzgi, a.g.e:157)، باید گفت که این سنت ازدواج با نامادری در حقوق ترک‌ها وجود داشت و این را هم از سندی که آن مرد اویغور پیش از مرگ برای زنش نوشته بود می‌توان فهمید و هم از ازدواج‌های شاهزاده خانم‌های چینی بعد از مرگ خاقان با جانشینان آنها. همچنین آوردن نمونه‌های ازدواج به سبک لویرات، در تاریخ اقوام استپی کم به نظر نمی‌آیند. نمونه دیگر و غالب در رابطه با این شیوه، ازدواج خاقان گوک‌ترک قیمن (Qi-min) قآن و زن چینی یی‌چن (Yichen) است. پس از مرگ خاقان گوک‌ترک، قیمن به ترتیب با پسر او شیبین (Shi-bin) با برادر شیبین، چولو (Chu-luo) و پس از مرگ او نیز با برادر او ژیلی (Jie-li) ازدواج کرد (Gan, a.g.e:362; Orkun, a.g.e:7-8; Gökçen, a.g.e:518; Taşagıl, 2003:64). ازدواج با مادر بیوه گاهی اوقات به زور انجام می‌شد. شاهزاده پو- یا در سال ۵۹۱م. بعد از اینکه خاقان کاوچنگ (kao-chang) شد و به زور و اصرار گوک‌ترک‌ها با اینکه اصلاً نمی‌خواست، اما مجبور شد با زن پدرش که دختر گوک‌ترک‌های غربی بود، ازدواج کند (Taşagıl, 2003:78). در فرهنگ ازدواج و هوای نیز وقتی پدر یا برادر بزرگ‌تر فوت می‌کرد، نامادری و عروس به‌عنوان همسر گرفته می‌شدند و اگر کسی برای همسری وجود نداشت، او را به عمویی از نسل بالا به‌عنوان زن دوم می‌دادند. با وجود تمام این‌ها زن هنگام مرگ در کنار شوهر اولش دفن می‌شد (Gökçen, a.g.e:517-518).

جالب توجه است که جان پاول ریشه لویراتوس را در سنتی که زنان در کنار شوهرشان دفن می شدند می بیند. او معتقد است زنان برای اینکه در قبر شوهرشان دفن نشوند به لویراتوس تن می دادند و حتی خاقانان زنان کنیزی داشتند تا رسم دفن آنها در کنار خاقان پابرجا باشد (Paul Roux, 1989A: 223-224).

۶. تعدد زوجات

در فرهنگ ترک‌های باستان ازدواج به معنی پیوند دو فرد با اصل و نسب برابر بود و باید بین افراد متعلق به یک ایل انجام می شد. اما پس از آنکه رؤسا از لحاظ اقتصادی ثروتمند می شدند با کنیزان نیز ازدواج می کردند و چون این با سنت ترک‌ها مطابقت نداشت به همسران آنها به جای خاتون، «هوو» می گفتند. حتا بچه‌هایشان نیز به آنها مادر نمی گفتند و از لفظ «خاتون» فقط برای مادرشان استفاده می کردند (Gökalp, a.g.e: 103). به گفته بعضی محققان در سنت ترکان، تعدد زوجات امری طبیعی نبود ولی در صورتی که انجام می شد، تنها با اجازه زن اول ممکن بود (Findikoğlu, a.g.e: 266-268). اگر بخواهیم درباره تعدد زوجات به متون تاریخی استناد کنیم، باید وجود آن را در فرهنگ استپی قبول کنیم زیرا وجود سنت لویرات خود به تنهایی دلیلی بر اثبات آن است. از طرف دیگر برخی از محققان مانند ضیاء گوک آلپ معتقدند که اگرچه ازدواج تک همسری در میان ترکان باستان وجود داشت، برخی از افراد در طبقه حاکم و افراد ثروتمند، زن دوم می گرفتند (Gökalp, a.g.e: 142-143). هون‌ها یک زن نداشتند و تا جایی که می توانستند از آنها نگهداری کنند، زن می گرفتند (Gökalp, a.g.e: 180). با اینکه آتیلا چندین زن داشت ولی باز هم می توانست زن جدیدی بگیرد و پریسکوس نیز این را برای ترک‌ها امری معمولی دانسته است (Ahmetbeyoğlu, a.g.e: 29). پیشینه اویغورها نیز تک همسر بودند؛ اما چند همسری را در میان آنها می توان به تأثیر ادیانی همچون مانوی، بودایی و مسیحیت نسطوری نسبت داد. راسونیی معتقد است که در زبان ترکی قدیم نمی توان ریشه کلمه‌ای برای زن دوم پیدا کرد (Rasonyi, a.g.e: 85; Özkan, a.g.e: 157). اما با این وجود، مقصودی آرسال معتقد است هرچند در زبان ترکی واژه‌ای برای تعدد زوجات وجود نداشت، بعدها بین ترک‌ها نیز گرفتن زن دوم رایج شد و زنی صاحب برترین مقام بود که یا اولین همسر و یا از لحاظ نسب پدری صاحب نسب برتری بود (Maksudi Arsal, a.g.e: 36). با توجه به منابع چینی می توان متوجه شد که بسیاری از فرمانروایان هون، گوک‌تورک و اویغوری، برخلاف تصور رایج، تک همسر نبودند و این حاکمان با بیش از یک زن از قبایل و سلسله‌هایی که با آنها روابط سیاسی و

تجاری داشتند، ازدواج می‌کردند. این نشان می‌دهد که تعدد زوجات، حداقل در میان طبقات بالا و ثروتمند رایج بود و این که در کنار حاکمان از زن آنها هم یاد می‌شود، به معنای تک‌همسری حاکمان نیست (Dalkesen, 2008: 445). در دولت هونها تعدد زوجات برای مردم عادی امکان نداشت و تنها خاقانان چنین امکانی داشتند (Tasagil, 2013: 82; Izgi, a.g.e: 155). در میان مغولان نیز مردان حق داشتند تا آنجایی که می‌توانستند زندگی خود را تأمین کنند، زن بگیرند. برخی از آنها ده، پنجاه یا حتی صد همسر داشتند. به طور کلی، آنها می‌توانستند با همه اقوام خود ازدواج کنند (de Plano, 2000: 30).

مسئله تعدد زوجات نه تنها برای مردان بلکه برای زنان نیز جاری بود. در میان برخی از قبایل، ازدواج چند برادر با یک زن رواج داشت که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: ایتاها (I-ta) که از جمله کوچروان آسیای مرکزی و مؤسس امپراطوری کوشان بودند (Bartold, 2010: 87). در میان آنها برادران، زن مشترکی داشتند و زن به ازای هر شوهر، یک شاخ بر سر می‌گذاشت (Eberhard, 1942: 139-140). همچنین رسم داشتن همسری مشترک برای برادران در قبیله توهولو (Tu-huo-lo) که در کنار ایتاها و با آنها زندگی می‌کردند نیز وجود داشت و زنان آنها نیز کاملاً مانند ایتاها به ازای هر شوهر یک شاخ بر سر می‌گذاشتند. تعداد شاخ‌ها مشخص کننده تعداد شوهران زن بودند. از طرفی نمی‌توان به طور قطعی درباره این موضوع، به منابع چینی استناد کرد؛ زیرا این موضوع، نه با فرهنگ ترکان سازگار بوده و نه در منابع ترکی بدان اشاره شده است. این احتمال وجود دارد که منابع چینی، قبایل ترکان را با قبایل استپی دیگری که در ساختار زندگی شان زنان، قائل به تعدد زوجات بودند، یکی گرفته باشند و یا به دلایل مختلفی از جمله لطمه زدن به آبروی ترکان و شاخه‌های آن، همه قبایل استپی را ترک در نظر گرفته باشند.

چنین سبک زندگی‌ای می‌توانست مشکلاتی را هم در پی داشته باشد. در نتیجه برای برقراری روابط جنسی، برادران به نوبت پیش زن می‌رفتند و هر بار با گذاشتن لباس خود در کنار در، بقیه برادران را متوجه حضور خود می‌کردند. همچنین هر بچه‌ای که به دنیا می‌آمد متعلق به برادر بزرگ‌تر بود (a.g.e: 140; Channes, 2016: 179). در قبیله یه-داها (Ye-da) نیز مانند ایتاها برادران یک همسر مشترک داشتند. همسر مردی که برادر نداشت، شاخ بر سر نمی‌گذاشت و تعداد شاخ‌ها نشان دهنده تعداد برادران بود (Eberhard, 1996: 105-106). ازدواج چند برادر با یک زن در میان هپتال‌ها یا هون‌های سفید نیز وجود داشت. در میان هونها زنان مردانی که بدون برادر بودند، سربند تک شاخ می‌پوشیدند. این تک شاخ نشانه تک همسری آن

ازدواج و قواعد آن در جوامع استپی آسیای ... (نوهات مویان و حسن حضرتی) ۲۹۱

زن محسوب می‌شد. در میان هون‌ها نیز رسم گذاشتن شاخ بر سر به‌ازای هر شوهر جریان داشت (Kapusuzoğlu, a.g.e:517). این رسم در میان افراد هوآ-گوآو (Hua-guo) که یکی دیگر از اقوام استپی شمال چین بود نیز وجود داشت و زنان به نشانه هر همسر شاخ گاوی از چوب حکاکی شده که با طلا تزیین شده بود را بر سر می‌گذاشتند (Eberhard, a.g.e:99).

۷. طلاق

مانند ازدواج، طلاق نیز در فرهنگ استپی وجود داشت؛ هرچند رواج آن نسبت به ازدواج خیلی کم‌تر بود. به طور طبیعی زن و شوهر زمانی که به مشکلی غیر قابل حل بر می‌خورند، از هم جدا می‌شدند. البته طلاق به این راحتی نبود و برای اجرای آن قوانین خاصی وجود داشت که یکی از آنها پس دادن قالین یا پس گرفتن جهیزیه بود. بعضی محققان معتقدند در فرهنگ ترک‌های قدیم، بیوه‌ها بیشتر کسانی بودند که شوهرشان مرده بود و نه آنانی که طلاق گرفته بودند. این مطلب نشان دهنده آن است که طلاق در فرهنگ قدیم ترک‌ها رواج چندانی نداشت (İzgi, 1973-1975:155). با این حال در کتاب لغت محمود کاشغری واژه «تول اوراگوت» (Tul uragut) به معنی زن بیوه آمده و در ضرب‌المثلی آمده است که بیوه بودن زن، بهتر از داشتن شوهری است که همیشه به او ناسزا می‌گوید (Kaşgarlı, a.g.e:566). در این ضرب‌المثل نیز طلاق یک امر معمولی به نظر می‌آید. حتی از این ضرب‌المثل معلوم است که اگر زن بوسیله شوهرش مورد بی‌احترامی قرار می‌گرفت، می‌توانست از او جدا شود. این نکته جالب است که اوغورها برای زنان بیوه مرحمت قائل بودند و البته از ازدواج با آنها امتناع می‌کردند (Maksudi Arsal, a.g.e:311; Radloff, a.g.e:128-129). احمد تاش‌آغیل در رابطه با این موضوع برداشت اشتباهی کرده و گمان برده شاید نزد آنان زنان باکره برای ازدواج ارزش بیشتری داشتند (bkz: Taşgıl, 2013:116). اگر این طور بود زنان بیوه نمی‌توانستند ازدواج دیگری کنند، در حالی که در دولت و قبایل دیگر ترک چنین موردی به چشم نمی‌خورد. شاید بتوان دلیل این را در دین مانی و بودا جستجو کرد؛ چرا که این ادیان نسبت به زنان نظر مثبتی نداشتند. همه اینها در حالی است که در کتاب کاشغری واژه «تون بگ» (Tun beg) برای شوهر اول یک زن (Kaşgarlı, a.g.e:568) به کار رفته است. وجود چنین واژه‌ای نشان می‌دهد که زنان بیوه می‌توانستند دوباره ازدواج کنند. علاوه بر این در کتاب کاشغری می‌توان نمونه‌های دیگری درباره طلاق پیدا کرد. به عنوان مثال: «بوش اوراگوت» (Boş uragut) به زنی گفته می‌شد که طلاق داده شده بود (Kaşgarlı, a.g.e:114). در این کتاب جملاتی مانند «اوراگوت بوشندی»

Uragut boşandı) به معنای زن طلاق گرفت یا «اول اوراگوت بوشاتتی» (oluragut boşattı) به معنای او زن را طلاق داد (Kaşgarlı,a.g.e:115) آمده که نشان می‌دهد طلاق می‌توانست هم از طرف زن و هم از طرف مرد انجام شود.

طلاق دادن یا طلاق گرفتن شامل قواعد خاصی بود که باید پیش از آن انجام می‌شد. در صورتی که شوهر با فردی به جز همسرش رابطه جنسی داشت، یا با او بدرفتاری می‌کرد یا ناتوانی‌اش اثبات می‌شد، زن می‌توانست او را طلاق بدهد. ولی مرد برای طلاق دادن شرطی معین نداشت. اگر از طرف داماد مشکلی پیش می‌آمد نمی‌توانست قالین را پس بگیرد و مجبور بود جهیزیه زن را هم پس بدهد اما اگر مشکل از طرف زن بود باید قالین را پس می‌داد (Maksudi Arsal,a.g.e:337). در اینجا حقوق زنان تا حدودی رعایت شده است. در واقع حقوق هر دو طرف نیز حفظ شده است؛ چرا که هم زن هم مرد در زمان طلاق مجبور می‌شدند از حق جهیزیه و قالین منصرف شوند بنابراین تنها زن نبود که تاوان این طلاق را پس می‌داد. کاشغری به مواردی که زن در نتیجه طلاق باید جهیزه خود را پس می‌داد نیز به شکل‌های مختلف اشاره کرده که این موارد از آن جمله است: «اوراگوت باشین یولدی» (Uragut başın yuldu) به معنای زن سرش را نجات داد، زن در مقابل جهیزیه از شوهرش جدا شد (Kaşgarlı,a.g.e:701). «اوراگوت یولندی» (Uragut yulundi) به معنای زن جهیزه خود را با طلاق دادن شوهر خود بخشید (Kaşgarlı,a.g.e:703). این موارد نشان می‌دهند که درخواست طلاق از سوی زن مطرح و او در نتیجه انجام طلاق، جهیزیه‌اش را به شوهرش بخشیده بود.

۸. نتیجه

چنانچه گذشت نویسندگان این جستار با در پیش گرفتن رویکردی توصیف‌محور به دنبال مشخص کردن کیفیت ازدواج و قواعد مربوط به آن در جوامع استپی آسیای مرکزی در دوران پیشا اسلامی برآمدند. از این رو پیش از هر چیز جغرافیای استپی آسیای مرکزی و شرایط زندگی جوامع ساکن در این ناحیه مشخص شد. یافته‌های این پژوهش نشان داد که برای درک بهتر ازدواج در این جوامع باید آنها را در بستر نهاد خانواده و پیوندی که این نهاد با واحدهای اجتماعی بزرگتر (مثلاً قبیله) داشتند، بررسی شود. از این رو ازدواج‌های درون‌گروهی، برون‌گروهی و سیاسی به عنوان مهمترین انواع ازدواج مورد بررسی قرار گرفته و مشخص شد که در ازدواج‌های درون‌گروهی، منافع اقتصادی و در ازدواج‌های برون‌گروهی که ازدواج‌های سیاسی را نیز شامل می‌شد، منافع سیاسی مهمترین انگیزه بود. علاوه بر این موارد با تمرکز بر

ازدواج و قواعد آن در جوامع استپی آسیای ... (نوهات مویان و حسن حضرتی) ۲۹۳

سنت لویرات و سنت قالین به عنوان دو مورد از مهمترین سنت‌های ازدواج نزد جوامع استپی آسیای مرکزی، مشخص شد که شیوه زندگی مردمان آن نواحی که موجب اهمیت مسائل مادی می‌شد نقش مهمی در رواج این سنت‌ها داشت. پایان مقاله به بررسی مسأله تعدد زوجات و طلاق اختصاص یافت. بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان ادعا کرد که تعدد زوجات نزد تمامی جوامع مورد نظر به طور یکسان رواج نداشت و بیشتر تابع موقعیت اقتصادی مرد بود. طلاق نیز اگرچه چندان رایج نبود، اما بسته به نوع اختلافات زن و مرد کیفیت متفاوتی داشت؛ هرچند هنجارهای جوامع استپی موجب شده بود که هنگام طلاق، حقوق هر دو طرف رعایت شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. مردمانی ترک که در نتیجه اختلاط اویغورها و تنقوزها به وجود آمدند. (Radloff, 1954: 135)
۲. قبیله‌ای که در مناطق استپی نزدیک سکونتگاه ترکان زندگی می‌کردند و از لحاظ فرهنگی به شدت تحت تاثیر ترکان بودند. در منابع آنها را ترک به حساب آورده‌اند. (Eberhard, 1942: 84)
۳. اقوامی از ترکان ساکن شمال چین که در ۳۴۷م. پای در عرصه تاریخ گذاشتند و پیش از انقراض در ۴۶۹م. امپراتوری قدرتمندی ایجاد کرده بودند. برای اطلاعات بیشتر بنگیرد به: (Yılmaz ve Çataloluk, 2019: 2556-2588)
۴. قومی از اسلاف مغولان که در سده اول پیش از میلاد در شرق سکونتگاه هون‌ها سکونت داشتند. (Eberhard, 1996: 48)
۵. مردمانی استپ‌نشین که در فرغانه امروزی ساکن بودند. (Eberhard, 1942: 144)
۶. از قبایل کوچ‌نشین استپ‌های آسیای مرکزی. (Şeşen, 2010, 73)
۷. از قبایل استپ‌نشین که همزمان با اوایل دوره گوک‌ترک‌ها (قرن ۴ و ۵م.) در قزاقستان امروزی ساکن بودند. (برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: Taşağıl, 2014: 311-322)
۸. از ترکان هون که در حوالی منطقه ارخون ساکن بودند. (Eberhard, 1996: 78)
۹. گروهی از هون‌های کوچ‌نشین آسیای مرکزی که از شمال به جنوب کوچ می‌کردند و با نام تو-با (To-ba) هم خوانده می‌شدند. (Eberhard, 1996: 79)
۱۰. خاقان دومین سلسله گوک‌ترک که بین سال‌های ۶۹۲-۷۱۶م. حکومت کرد. (برای مطالعه بیشتر بنگرید به: Taşağıl, 1993: 51-70)

۲۹۴ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۲

۱۱. گروهی از ساکنان مناطق استپی آسیای مرکزی که از لحاظ فرهنگی با ترکان مشابهت داشتند. (Eberhard,1996:105)
۱۲. از اقوام کوچ‌نشین استپ‌های آسیای مرکزی که منشا آنها معلوم نیست. (Eberhard,1996:100)
۱۳. از قبایل ترک استپی که بین سال‌های ۶۵۹-۷۶۶م. در آسیای مرکزی ساکن بودند. (Taşağıl,2004:33)
۱۴. این رسم امروزه در کشور ترکیه با عنوان «Başlık Parası» و در میان آذری‌های ایران با عنوان «باشلیق» همچنان جریان دارد.
۱۵. از قبایل کوچ‌نشین استپ شمال تبت که در ۶۶۳م. از بین رفتند. (Eberhard,1996:103)
۱۶. گروهی از کوچ‌نشینان مناطق استپی آسیای مرکزی که منشا آنها مشخص نیست.

کتاب‌نامه

ابن فضلان، احمد (۲۵۳۵)، سفرنامه ابن فضلان، ترجمه سید ابوالفضل طباطبایی، تهران: انتشارات شرق.
راوندی، محمد بن علی (۱۳۶۴)، راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ آل سلجوق، تصحیح محمد اقبال و مجتبی مینوی، تهران: امیرکبیر.
فضل الله همدانی، خواجه رشیدالدین (۱۳۸۶)، جامع‌التواریخ (تاریخ آل سلجوق)، تصحیح محمد روشن، تهران: میراث مکتوب.

- Ahmetbeyoğlu, Ali (1990), *Grek Seyyahı Priskos (V. Asır)'a Göre Avrupa Hunları*, Yayınlanmış Yüksek Lisans Tezi, İstanbul: İstanbul Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü.
- Arat, Reşit Rahmeti, (1964), "Eski Türk Vesikaları", *Türk Kültür Araştırma Dergisi* (1). ss.1-37.
- Bartold, Vasily Veladimirovich (2010), *Orta Asya Tarih ve Uygarlık Çev: Ahsen Batur*. İstanbul: Selenge.
- Carpini, Johan de Plano (2000), *Moğol Tarihi ve Seyahatname*, Çev:Ergin Ayan, Trabzon: Derya.
- Deer, Jozsef (1954), *İstep Kültürü*, Çev: Şerif Baştav, Ankara: *DTCF Dergisi*, Cilt 12 (1-2). ss.159-176.
- Eberhard, Wolfram (1941), "Eski Çin Kültürü ve Türkler", Çev: İkbal Berk, Ankara: *Çığır* (99). ss.19-29.
- Eberhard, Wolfram (1942), "Çin Kaynaklarına Göre Orta ve Garbi Asya Halklarının Medeniyeti", Çev: Mecdut Mansuroğlu, *Türkiyat Mecmuası*, C.7,ss.125-191.
- Eberhard, Wolfram (1996), *Çin'in Şimal Komşuları* (Çev: Nimet Uluğtuğ). Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Ergin, Muharrem (2009), *Orhun Abideleri*, İstanbul: Boğaziçi.
- Esin, Emel (1991), "Katun (Türk Kadını'na Dair)", Ankara: Erdem 7 (20). Türk Tarih Kurumu. ss.471-483.

ازدواج و قواعد آن در جوامع استپی آسیای ... (نوهات مویان و حسن حضرتی) ۲۹۵

- Esin, Emel (2001), *Türk Kozmolojisine Giriş*. İstanbul: Kabalcı.
- Fındıkoğlu, Zeki (1945), *Türk Aile Sosyolojisi*. İstanbul: İstanbul Üniversitesi Hukuk Fakültesi Mecmuası.
- Gan, Lin (2000), "Göktürklerde Gelenekler ve Dini İnançlar" Çev: Eyüp Sarıtaş, İzmir: *Türk Dünyası İncelemeleri Dergisi* (7). ss.361-374.
- Golden, Peter B. (2020), *Türk Halkları Tarihine Giriş, Ortaçağ ve Erken Yeniçağ'da Avrasya ve Ortadoğu'da Etnik Yapı ve Devlet Oluşumu*, Çev: Osman Karatay, Ötüken, İstanbul.
- Gökalp, Ziya (1991), *Türk Uygarlığı Tarihi*, Haz: Yusuf Çotuksöken, İstanbul: İnkılap.
- Grousset, Rene (1980), *Bozkır İmparatorluğu: Attila, Cengiz Han, Timur*, Çev: Mehmet Reşat Uzmen, İstanbul: Ötüken
- Has Hacip, Yusuf (2019), *Kutadgu Bilig*, Haz: Muzaffer Tunçel, Ankara: Gençlik Spor.
- İnan, Abdülkadir (1948), "Göçebe Türk Boylarında Evlâtlık Müesseseleriyle İlgili Gelenekler", Ankara: *Dil Tarih-Coğrafya Fakültesi Dergisi* 6(3), ss.127-137.
- İzgi, Özkan (1978), "XI. Yüzyıla Kadar Orta Asya Türk Devletleri'nin Çin'le Yaptığı Ticari Münasebetler". İstanbul: *Tarih Enstitüsü Dergisi*. ss.87-106
- İzgi, Özkan (1989), *Çin Elçisi Wang yen-te'nin Uygur Seyahatnamesi*. Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- İzgi, Özkan, "İslamiyetten Önceki Türklerde Kadın", *Türk kültürü araştırmaları*, Yıl: XI-XII-XIII-XIV, 1973-1975, Ankara, ss.145-160.
- Kafesoğlu, İbrahim (2015), *Türk Milli Kültürü*. İstanbul: Ötüken. 39. Baskı.
- Kapusuzoğlu, Gökçen (2015), "Çin Kaynaklarına Göre Türk Kültür Çevresinde Evlenme ve Cenaze Gelenekleri", Ankara: *Tarih Araştırmaları Dergisi* 34(58). ss.507-522.
- Kaşgarlı, Mahmut (2021), *Divan-ü Lugat-it- Türk*, Haz:Fuat Bozkurt, İstanbul: Salon.
- Kırilen, Gürhan (2015), *Çin'de Afyon Savaşları*. Ankara: Gece Kitaplığı.
- Maksudi Arsal, Sadri (1947), *Türk Tarihi ve Hukuk*. İstanbul: İstanbul Üniversitesi Hukuk Fakültesi.
- Mau-Tsai, Liu (2006). *Çin Kaynaklarına Göre Doğu Türkleri*, Çev: Ersel Kayaoğlu ve Deniz Banoğlu, İstanbul: Selenge.
- Nemeth, Gyula (1982), *Attila ve Hunları*, Çev: Şerif Baştav, Ankara: Dil ve Tarih- Coğrafya Fakültesi.
- Onat, Ayşe; Orsoy, Sema ve Ercilasun, Konuralp (2004), *Çin Kaynaklarına Göre Han Hanedanlığı Tarihi*. Ankara: TTK Yayınları.
- Orkun, Hüseyin Namık (1994), *Eski Türk Yazıtları*. Ankara: Türk Dil Kurumu.
- Ögel, Bahaeddin (1971), *Türk Kültürünün Gelişme Çağları*, İstanbul: Devlet Kitapları.
- Ögel, Bahaeddin (1988), *Türk Kültürünün Gelişme Çağları*. İstanbul: Türk Dünyası Araştırmaları Vakfı.
- Özdener, Kadri Süreyya (1988), "İslam Öncesi Türklerde Kadının İctimai Yeri", İstanbul: *Sosyoloji Konferansları* 0(22). ss.225-235.
- Paul Roux, Jean (1989 A), "Orta Çağ Türk Kadını: I. Oymayazı Metinlerine Göre Kadın", Çev: Gönül Yılmaz, Ankara: Erdem 5(3), ss.199-226.

- Paul Roux, Jean (1989 B). “Orta Çağ Türk Kadını: Türk Kadını Hakkında Orta Çağ Bilgileri”, Çev: Gönül Yılmaz, *Erdem* 6 (18), ss.693-724.
- Radloff, Wilhelm (1954), *Sibirya’dan I*, Çev: Ahmet Temir, İstanbul: Maarif.
- Rasonyi ,Lazso (1993), *Tarihte Türklük*, Ankara: Türk Kültürü Araştırma Enstitüsü.
- Şeşen, Ramazan (2010), *İbn Fadlan Seyahatnamesi ve Ekleri*, İstanbul: Yeditepe.
- Taşagül, Ahmet (1993), *Kapgan Kaan, Belleten*, 57(218), ss.51-70
- Taşagül, Ahmet (1999), *Göktürkler II*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Taşagül, Ahmet (2003), *Göktürkler I*, Ankara: Türk Tarih Kurumu.
- Taşagül, Ahmet (2004), *Göktürkler III*, Ankara: Türk Tarih Kurumu
- Taşagül, Ahmet (2013), *Kök Tengri’nin Çocukları*, İstanbul: Bilge Kültür Sanat Yayınları.
- Taşagül, Ahmet (2014), *FSM İlmî Araştırmalar İnsan ve Toplum Bilimleri Dergisi*, 3 (Bahar), ss.311-322.
- Tekin, Talat (1994), *Tunyukuk Yazıtı*. Ankara: Simurg.
- Von Gabain, Annemarie (1944), “Köktürklerin Tarihine Bir Bakış”, Çev: Saadet Ş. Çağatay, Ankara: *Ankara Üniversitesi Dil ve Tarih-Coğrafya Fakültesi Dergisi* 2(5).ss.687-695.
- Yılmaz, Hakan ve Çataloluk Osman (2019), *Akademik Tarih ve Düşünce Dergisi* 6(4), ss.2556-2588